



وزارت فرهنگ و آموزش عالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبانشناسی

گروه زبانهای باستانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته: فرهنگ و زبانهای باستانی

بررسی یمن شخصیت و پنج

اوستا — زند

استاد راهنما: دکتر مهشید میر فخرائی

استاد مشاور: دکتر محمد تقی راشد محمل

دانشجو: حمید رضایی صدر

۱۳۷۴

فهرست

پیشگفتار

مقدمه

متن اوستایی و زند

آوا نویسی متن اوستایی

برگردان فارسی متن اوستایی

یادداشتهای برگردان فارسی

آوا نویسی متن زند

برگردان فارسی متن زند

واژه نامه

بسمه تعالی

پیشگفتار

بسن مجموعه سرودهایی است که مغان در طول مراسمی به همین نام می خوانند، و آن شامل ۷۲ هات است، در این میان هاتهای ۶۲ تا ۶۹ در ستایش آب است. در هات ۶۵ آب ستوده میشود و در هات ۶۶ و ۶۷ برای آب پیشکش میشود، و در هات ۶۸ و ۶۹ از اهورانی (همسر) اهورا (مزدا) یاد میشود.

هات ۶۵ که موضوع بررسی این پایان نامه است از ۱۹ بند تشکیل شده است به سادگی میتوان این هات را سه بخش کرد. بندهای ۱ تا ۵، از آب انبساط گرفته شده اند. و در ستایش اردو بیست و دو ایزدبانوی موکل بر آبها است، از بندهای ۶ تا ۱۳ و تا حدود بند ۱۴ میتوان بعنوان بدنه اصلی هات ۶۵ یاد نمود. در این بندها آب در حالت ندایی جمع فرا خوانده میشود. بند ۱۳ تکرار بند ۱۲ همین هات است. تفاوت این دو بند منحصر به فعلی است که بندها با آن آغاز میشوند. در بند ۱۲ خواهش از آبها با فعل *zaisiemi* صورت میگیرد: "این را از شما آبها خواستارم". و در بند ۱۳ این خواهش با فعل *daiiata* است: "این را ای آبها به من بدهید". بندهای ۱۴ تا ۱۹ قطعات گاهانی هستند که به آخر هات ۶۵ اضافه شده اند. در این بندها زمانی تمامی بند و گاهی بخشی از بند از یک تا چند قطعه گاهانی تشکیل شده است.

بندهای گاهانی زدن ندارند. بدین خاطر در واژه نامه برابر نهادن واژه های گاهانی نیامده است. بند ۱۸ تکرار بند ۱۷ همین هات است.

روش کار :

در این بررسی متن اوستایی ویراسته گلدنر بعنوان متن پایه انتخاب شده است. اما این متن صورت نهایی متنی نیست که در این بررسی ارائه شده است. مواردی که به نظر می‌آید باید واژه‌های تصحیح شوند، یا صورتهای دیگری که در سایر دست‌نوشته‌ها آمده است می‌توانست بدلیل دستوری صحیح باشند در بخش توضیحات ترجمه متن اوستایی آمده است. برای فهم معنای واژگان اوستایی، واژه‌نامه اوستایی نوشته بارتولومه را کتاب پایه قرار داده شد. اما از پیشرفت‌هایی که چند دهه پس از این واژه‌نامه شده است غفلت نکردید. هرگاه نظر بارتولومه اعمال نشده است، دلایل ترجمه برگزیده با ذکر ترجمه بارتولومه در بخش توضیحات ترجمه متن اوستایی آورده شده است. در آوانویسی متن اوستایی از روش آوانویسی هوفمن پیروی شده است.

واژه‌نامه پایه برای بخش زنده واژه‌نامه زنده با راست. که نظام آوانویسی مکنزی جایگزین نظام آوانویسی کتاب مذکور گردیده است.

در بخش واژه‌نامه، صورتهای صرفی هر واژه زیر ستاک ضعیف و صورتهای فعلی زیر صورت ضعیف ریشه آمده است. ستاکهای فعلی و صفات فاعلی و مفعولی زیر ریشه تجزیه و تحلیل شده، و در ردیف الفبایی خود نیز آمده است. که به صورت فعلی مربوط بازگشت داده شده‌اند. مقوله دستوری و معنای هر واژه در برابر ستاک و صورتهای صرف شده با ذکر حالت صرفی زیر ستاک و در هر مورد با شماره بند آمده است. برابر زنده هر واژه نیز در مقابل صورت صرفی واژه یاد شده است.

سپاسگزاری :

به فرجام، نگارنده بر خود بایسته میدانم که از زحمات چند ساله تمامی اساتید محترم رشته فرهنگ و زبانهای باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سپاسگزاری نموده و مراتب قدر دانی خود را ابراز نماید. به ویژه از سرکار خانم میر فخرایی که قبول زحمت فرموده و راهنمایی اینجانب را بر عهده گرفتند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند نهایت تشکر و امتنان خود را به حضور ایشان تقدیم مینمایم.

Bartholomae, C, Altivanisches wörter buch. Berlin Walter de Gruyter & Co .1967.

Botterro, j. la religion baby Lonienne, Paris, Presses universitaire de france, 1952.

Boyce, M . Encyclopaedia Iranica , Vol. I, Editec by E. yarshater.

Darmesteter, j. Le Zend - Avesta. Vol . II, Paris, 1892- 93.

Duchesne- Guillemin, j. les composées de l'Avesta, paris, les belles letcres, 1936.

Dumezil, G. Déesses latines et mythes Védiques, Bruxelles, latomus, 1956.

Mythe et épopée, vol , I,II, paris, Gallimard, 1908.

Tarpeia; essai de philogy comparative indo- européens, paris, Gallimard , 1974.

Geldner, K. F. (ed.) Avesta, the sacred books of parsis , stuttgart, 1886- 96 .

Jackson, Avesta grammar, stuttgart, 1892.

Kellens, J. les noms- vacines de O' avesta(NR) Wiesbaden:Dr. ludwig Reichert Verlag, 1974.

Le verbe Avestique (V A). Wiesbaden Dr. Ludwig Reichert Verlag, 1984.

& Eric pirat. les textes vieil- Avestiques (TVA), Vol, I. introduction, texte et traduction, Wiesbaden Dr. ludwig Reichert verlag, 1988.

& les textes vieil Avestiques, vol, II. Répertoires, grammaticaux et lexique (RGL). Wiesbaden:Dr. Ludwig Reidnert Verlag 1990.

Mackenzie, D.N. A concise pahlavi Dictionery, london Oxford university press, 1969.

- Przyluski, J. la grande déesse, paris, payot, 1950.
- Poupard, P. Dictionnaire des religions , presses universitaires de france, 1984.
- Reichel, H. Avesta Reader, strasburg , 1911.
- Schlerath, B. Awesta- Wörterbuch. Vol, I, II, otto Harrassowitz, Wiesbaden, 1968.
- Wielengren, Geo. les religions de & Iran, paris, payot, 1968.

- الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، مترجم جلال ستادی، تهران، سروش ۳۷.
- بنونیست، امیل، دین ایرانی بر پایه متن های مهم یونانی، مترجم، بهمن سرکاراتی، تهران، بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۴.
- بویس، ماری، تاریخ کیش زرتشت، مترجم همایون صنعتی زاده، تهران، توس، ۱۳۷۴.
- بهارمهر داد، بندهشن، فرنیع دادگی، تهران، توس، ۱۳۶۹.
- پور داود، ابراهیم، یشتیا، ۲ جلد، تهران، طهوری، ۱۳۴۷.
- یسنا، ۲ جلد، سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایران لیگ بمبئی، بمبئی ۱۹۲۸.
- گویری، سوزان، اناهیتا، در اسطوره های ایرانی تهران جمال الحق، ۱۳۷۲.
- مجیدزاده کیوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکزی نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- میرفخرائی، مهشید، بررسیهای دخت نسک، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- یادداشت های کلاس درس اوستای ۲ و ۳ پژوهشگاه علوم انسانی وزارت آموزش عالی .

مقدمه تاریخی

کیش پرستش ایزد بانوی بزرگ

در سرزمین های با تمدن کهن میان هند و دریای سیاه مجسمه های نوسانگر

پرستش ایزد بانوی است یافت شده است. شباهت این مجسمه ها به ما

اجازه می دهد که بر وجود آیین مشترکی در سرزمین های میان دریای مدیترانه تا هند

قائل شویم در این منطقه اعتقادات و نماسک قابل مقایسه ای توسط اقوام آسیایی،

سعی و هند و اروپایی پذیرفته شده است. این ایزد ایزدی است که می زاید،

و برتر از سایر ایزدان نیز است. او هم «دایزدا عادر» و هم «دایزدا بزرگ»

است.

تنها اندکی تفکر لازم است تا ارتباط میان نهادهای قضایی یک ملت و دینی

را که خلق می کند تصدیق نمود. در برخی جامعه های حیوانی مانند موریا نه و زنبور عسل

عنصر مردانه در پس زمینه قرار دارد، و برتری یا عنصر عارینه است. مادر یا آنچه

که ما می گوئیم ملکه هم می زاید و هم موجبات سعادت و شرف کند و لانه را

را فراهم می‌کنند. اگر آنها نخواهند زمین داشته باشند، بدون شک «دایزدان بزرگ»

را در رأس آن قرار خواهند داد. از کمترین تمایز می‌توان استفاده کرد و در نتیجه الوهیتی

که هم مازر است و هم حکمران باید در اجتماع که منفرذانه برتر است بوجود

آمد باشد.

در سینه دم تاریخ مردمان «جهان باستان» به هم نزدیک و پیوسته می‌شوند.

نظامهای بر پایه کلاک و قبیله جای خود را به شکل جدیدی سیاسی گسترده تر، اتحادیه‌ها،

پادشاهی‌ها و امپراتوری‌ها می‌دهند. در پی این تحول خدایان محلی و قبیله و قوم

حاکم بر تشکیلات امپراتوری تبدیل به «دایزدان بزرگ» مذهب امپراتوری می‌شوند.

تعدادی از این واحدهای منطقه‌ای دارای ساختار مازرنا را یا بهتر است بگوییم مملوتمت

«زن - پادشاه» هستند. در این جوامع زن از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است؛

و صاحب بخش بزرگ قدرت در خانواده و حکومت است. احتمال دارد که در بعضی

نواحی حکومت «زن - پادشاهی» محدود به طبقه اشراف باشد، و قدرت زنان

منشأ مذهبی داشته باشد. در دوره تاریخی، بخصوص در میان اقوام هندو ایرانی،

باقیماندهٔ مذهب کهن را می‌توان مشاهده نمود که بنظر می‌رسد در اساس با نهادهای
حکومت «زن-پادشاهی» در ارتباط است. در قطعه‌ای از ریگ ودا، آدیتی
ایزد بانوی بزرگ چنین توصیف شده است:

«آدیتی آسمان است؛ آدیتی جواست؛ آدیتی مادر است؛ آدیتی پدر است و
پنج گونه هست؛ آدیتی هر آنچه است که زاده شده است؛ آدیتی هر آنچه که زاده
خواهد شد.»

چگونه در ایان جهان باستان به اندیشه انتساب طریقت و توانایی نامحدود
و جهانی ایزد بانو رسیدند؟ اساس اندیشه مادر است. مفهوم ایزد بانوی که
عامل زایش است. ترجمان این اندیشه در اسطوره ایزدی که مادر خدا ایان است
خواهد آمد. ایزد بانوی که خدایان را زاده است به طبع متشابه انسانها و دیگر
موجودات نیز است. به لطف و ماری اوست که انسانها و جانوران بزرگ و صغیر
دنیاهان رشد می‌کنند. هر آنچه که زندگی دارد نشان از قدرت او دارد.

اردو سورا نهید .

نام این ایزد مرکب از سه واژه :

araduu - اسم موزن که در اصل به معنای «در طوبت رهنمائی» است .

در سنسکرت rdū . و اصلاً نام رودخانه ای افسانه ای است .

sūra - صفت به معنای «نیرومند» . در سنسکرت : - sūra در فارسی

میان sūrēn .

āhitā - صفت مفعولی به معنای «آلوده» . در هند و اروپایی : sōhō

در فارسی میان : āhōk ، در فارسی نو : āhō . (آهو. عیب)

an-āhitā - صفت به معنای «دبی آرایش برآب» .

اردو سورا ایزد بانوی مومل برآب

با اندکی تأمل می توان رابطه ضروری میان «د مادر بزرگ» و ایزد مومل

برآب را دریافت . آب اساس زندگی است . اگر خشکی گسترش یابد ، همه چیز

تا بومی شود. زمین از بار دادن بازمی ایستد، انسانها و حیوانات بدون خوراک
می مانند. بسیار طبیعی خواهد بود که در موارد بزرگ، «ایزد بانوی موکل برآب نیز باشد.
در ادسا اردو و سورتنها نشاگر ایزد بانوی بزرگ نیست، بلکه همچنین نام
رودخانه ای اسطوره ای نیز هست؛

« همه کناره ها در دریای و ریش به خروش آیند، همه میان (در دریای و ریش)
به خروش آیند، همه هنگامی که به سوی آنها فراتانند. هنگامی که به سوی آنها فروریزد.
اردو و سورتها، از آن هزار وردی، هزار خروبی (است). هر یک از این وردی ها،
هر یک از این خروبی ها، به اندازه جهل روز سواری برای مردکند است. (در یک سواری
است)». (پس ۶۵، ۴۰)

«نیرومند بانوی بلند خورش اندام... (آبایی) آبهای
وینال). روز شبان به آن اندازه نیرومندند که همه این آبها بر زمین فراتانند یا آن
نیرومند فراتانند». (پس ۶۵، ۱۴)

این رود اسطوره ای از چاهها به دریای و ریش سر می میرد.

در و صورتی که از این یک آب جدا شود به همه هفتاد کشور و از این یک آب

من یکسان به تابستان و زمستان می برد. آن (آبها) مرا با نیرد می کند. آن (آب)

نقطه های مردان را، آن زهدان زنان را، آن سیر زنان را با نیرد می کند. (رسن ۶۵، ۶۵)

بدین ترتیب همه رودخانه ها و آبها دارای منشأ واحدی هستند. و این منشأ آسمانی

ایزدبانوی بزرگ است.

در هند نیز اسطوره مشابهی وجود دارد. در هند رودخانه اساطیری گنگا (Gangā)

آسمانی است. این رود به دریای سری در سرزمین شمالی ایامی می ریزد و از

این دریای است که همه آبهای زمین منشأ می گیرند. بدین ترتیب به مانند ایران

تمام رودخانه ها و جویبارها دارای منشأ آسمانی یگانگی هستند و نام رودخانه

اساطیری در این حال نام ایزدبانوی بزرگ نیز هست.

از زویسور ایزدبانوی باروری و حاصلخیزی

در اولین گام برای شادوری و طهارت داری حضور آب به عنوان نشانه ای

ترا دانی و سعادت و رفاه ضروری بنظر می رسد. و به نیا حال و در پی آن بقا آسمان

و حیوانات اهلی در توت به وجود آید است. بدین ترتیب در جامعه بزرگترین این
 نفعیم با ایزد آب پیوند می خورد. از جمله حیوانات اهلی، خمدگان در مراسم تحت انقیاد
 شمارشان زیاد شود. بدین سبب است که ایزد بانو توانمند است از قدرت او است
 که حیوانات اهلی می شوند. دیوان از زمین های شخم زده رانده می شوند. ایزد بانو
 بر جنگ و شکار، کشاورزی و دام گردان حیوانات نظارت می کند. شایان قدرت
 خود را از او می یابند.

آب از طریق سیراب کردن گیاهان، راحت و نجات برای انسانها بر زمین
 می آورد. شفا بخش است و بیماریها را دور و در میان می کند، عاینه رشد و نمو بالندگی
 و سرچشمه زندگی است. زمین و جانوران و زنان را بارور می کند.
 در این مذهب کویلیج بند یا زده گروندگان از آبها درخواست فرزندانی نیز می کنند
 و شرفهای آبگون می نمایند:

در ای آبها لطف (= آیت) شمارا خواستارم. آای (لطف) بزرگ را:

من از این نسید که باران بر زمین می بارند و من می شود که این انسان می تواند

فربد دروغ را نخورد، ای آبها از شما دارایی خواستارم (دارایی‌های گوناگون و

فرزندان نیک و نیرومند کشتی بسیاری کسان خواهند ستود...»

در اوستا اردویسور به عنوان ایزد مهری سده است که بنحده در مان است، و

افزاینده روه و خواسته و زمین .

در قربانی خواهم مرد برای اردویسور انا هید، بلند پستانی، در مان بخش، دوری

گزیننده ازدیو، اهورا ای لیش، ستودنی برای هستی مادی، پرستیدنی برای هستی

مادی، مقدس که افزاینده نعل، مقدس که افزاینده روه، مقدس که افزاینده دارایی،

مقدس که افزاینده ثروت، مقدس که افزاینده سرزمین است، (یس ۶۵، ۵)

اردویسور در مقام ایزد باروری جان بخش است و پاک کننده نطفه مردان و زنان

زنان، به دو شیرگان همسر و به زنان نازا فرزند و زنان را آن زایی می بخشد .

در آنکه نطفه همه مردان را پاکیزه کند، آنکه زحدان همه زنان را پاکیزه کند .

آنکه همه زنان را زایی بی درد دهد، آنکه همه زنان را به درستی و به مقام شیر

آورد .» (یس ۶۵، ۲)

«دوشیزگان از تو سه و زالی جوان و مهربان بیزمانند به سهم را درخواست کند»

دوشیزگان زایا از تو خوب زایش (آسان زایی) درخواست کند. لومی توانی اینها را

بدستان بدمن، ای اردیسور ناخید نیز میگوید...» (بیت ۵، ۸۷)

به دلیل ارتباط اردیسور با باردوری، آنان که دچار نقص عضو هستند حق شرکت در این

ادرا ندارند.

«از این زهر نباید بنویسید؛ کسانی که فریبی، تب، کافس نیروی جنس دارند»

زنان و کسانی که گاهان را برای دیگران نمی خوانند و کسانی که به بیماری برهن دچارند

و باید از دیگران دور نگاه داشت...» (بیت ۵، ۹۲)

همانگونه به فرزندان و اشوان ها خواسته و حال و فرزندی بخشد، دیویستان و دروندان

را، حال و تربیت و فرزندی محروم می کند:

«دورا بیزش نمود آن چشم ها خوب روی بر قلعه آوه، هوگر صد اسب، و هزاران باد

وده هزاران گوسفند...» (بیت ۵، ۲۵)

«آگاه از او خواست آن آینه را به من ده، ای اردیسور ناخید نیت

حیات خود ادا نم دهند. بدین سبب است که در بسیاری از سرزمین ها تا عصر تاریخی

گشتن کودکان و سالخوردهگان رواج داشت. سالخوردهگان گشته می نمودند برای اینکه جوانان

چیزی برای خوردن داشته باشند. دختران را می کشند تا امکان آن را داشته باشند

که پسران را غذا بدهند. این حرکت رومی است که امکان می دهد که دختران بتوانند بزرگ

شوند. اینزد مادر ترجمان این خشونت گریزناپذیر است، زیرا یکی از اشکال سر

نوست است. مانند باغیانی که بیا حال پسر را می کشند تا زمین را برای گشت آماده سازد

اینزد مادر حرکت می آورد زیرا که حیات می بخشد. دو جنبه از فعالیت اینزد مادر بنا بر

قانون راز بقا و موجودات بهم پیوند خورده اند. بدین سبب است که اردویسور در

ایران اینزد جنگ است. و در هند اینزد مادر، اینزد بیماری نیز است. در ایران

صفت اینزد بانو arduu است که می تواند به معنای در نرم، ولایم*... باشد در واقع

وی آنچنان هم ولایم و مهربان بوده است همانند دورگا Durgā در هند، اردویسور

نیز اینزدی خشن و هولناک بوده است. انسانها برای برسر لطف آوردن وی به او

القابی چون ولایم / نرم می دادند. در اوستا شایسته گان اردویسور از او گردونه و

* Hermann Weller: Anāhita. Grundlegendes zur avischen metrik. Stuttgart-Berlin, 1935, S. 73

جنب افزار درخواست می کند :

« اینک مرا ای نیک، ای تواناترین، ای ویسورانهید خواهش این کامیابی
است که من بسیار معزز به سلطنت بزرگ هم (آن سلطنتی) که در آن بسیار غذا
تهیه می شود بهره و بخش (هر یک) بسیار است (به آن سلطنتی) که با اسبهای سپهر
زنده و گردنهای (خروشنده) و تازیانه نین بر اندازد ... » (یست ۵، ۱۳)
در آبان یست نام گروهی از شاهان و پهلوانان شایسته اردو ویسور آمده است
که از وی درخواست پیروزی در نبرد با دشمنان سرزمین های ایرانی و نیز تابودی پی ها،
کوی ها و لرین ها را دارند. اردو ویسور درخواست آنان را می پذیرد که این خواستاران
مبارتند از : هوشنگ، جمشید، فریدون، گرشاسب، لیکاردوس، لیخرو، موس،
جاماسب، اسوزد، تریت، هودها، نوذرها، ویستور، یوست، گشتاسب وزیر
از شاهان :

« جم شاه خوب رفه او را قربانی کرد (بیش نمود) بر قلعه هورصد اسب
هزار گاد و ده هزار گوسفند. آنگاه از او خواست آن آیینت را بمن ده ای

اردو سورا ناھید بیک نیز و مذکورہ نامیں بیرون آکر ہم از دیوان ہم شہرت و ہم بود

را، ہم فراوانی (فرہی) و ہم رہ را، ہم فرسندی و ہم شہرت را (شہادت ۵، ۲۵، ۲۶)

از پہلوانان :

« اورا قربانی کرد طوس تہم جہا و در پیش اسبان ، زور ہارا خواهند

برای گلہ اسبان ، درش برای خود (درش برای تن ہا) ، نخست دیدن

دشمنان (= از دور دیدن دشمنان) ، دفاع در برابر دشمنان را پروری

بر حملان دشمن ہی قانون را » (شہادت ۵، ۵۳)

پہلوانان دیوینا نیز برای اردو سورا قربانی می کنند بستایش اردو سورا توسط پہلوانان

دیوینا حکایت از تعلق گیش اردو سورا بہ دورہ ای پیش از انستعاب انجمن دینی گاہانی

ہر از گیش کهن ایرانی دارد ، در شہادت پنج پہلوانان دیوینا برای پیروزی در جنگ از

اردو سورا یاری می خواهند ، اردو سورا درخواست آنگان را نمی پذیرد ، آنگان

بجارتند از : ضحاک ، افراسیاب ، سیران و سپہ و وندرش

« اورا قربانی کرد اوی دھاگ سہ پوزی در کشور بابل صد اسب ہزار

گا ووده هزار گوسفند « (بیت ۵ ، ۲۹)

در آنگاه از او این آیه را خواست تا من بن مردم ندم (بدون انسان ندم)

هفت هفت شور را « (بیت ۵ ، ۳۰)

پادشاهی آسمان

پس از اینکه ایزد ماد در مقام الوهیت برتر را در جامعه بزرگی بدست آورد،

شهریارش بر تمام کیش گسترش یافت. از این پس او بر زمین و آسمان فرمان می راند.

در این ترتیب نزد اقوام گوناگون ایزد بزرگ با خورشید ، ماه و سیاره زهره ارتباط

یافت. اکنون می توان از هیئت های آسمانی ایزد بانوی بزرگ سخن گفت پس از

اینکه در زمین بزرگها جان و جانوران پادشاهی نمود. سیاره انس را به آسمان نیز گستراند.

شماره بسیاری از خدایان باروری ، همزمان خدایان شهری هستند از قبیل

Author مصری star در میان رودان و اناهی در ایران .

بنابر بند هس پس از تازش اهریمن بر زمین و مرگ گا و یلتا آفریده ، تخته

گا و باروشن ماه پالوده گت پس جفتی گا و ، بی نرویی ماده بر زمین آورده شد.